



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۵/۰۳

ولی احمد شاکر

توافقنامه "آوردن صلح" و وعده‌خلافی های طالبان

به تاریخ 29 جنوری 2021، یک رویداد تاریخی مهم با پیامدهای جدی برای تلاش های ضد تروریسم ایالات متحده و آینده نه تنها افغانستان، بلکه کشورهای آسیای جنوبی و آسیای مرکزی رخ داد. آقای زلمی خلیل زاد، نماینده ویژه برای مصالحه افغانستان و ملا عبدالغنی برادر از گروه شورشی طالبان توافقنامه ای را که منسوب به "معاهده دوحه" است امضا کردند. با وجود اینکه عنوان این سند به گونه غیرمستقیم ادعای "آوردن صلح" در افغانستان را داشت، نتوانست امیدهای مردم این کشور را در به میان آوردن آنچه صلحی که آنها میخواستند برآورده کند. این توافقنامه شرایط دقیقی را که ایالات متحده باید قبل، در حین، و پس از خروج نیروهایش از کشور رعایت می کرد، مشخص کرد. با این حال، قبل از خروج ایالات متحده از افغانستان، هیچ شرط مشخصی که طالبان را مسئول وفا به وعده هایش نگه دارد درج این سند نبود. به عبارته دیگر، در این توافقنامه هیچ سازوکاری مشخص نشده بود که اگر طالبان تعهدات شان را در قبال مردم افغانستان و ایالات متحده به جا نکنند، بتوان آنها را پاسخگو دانست - پس این معامله ای بود مطلوب برای طالبان .

حامیان این توافقنامه استدلال می کنند که این سند به درگیری مسلحانه با طالبان پایان داد و سبب به میان آوردن صلح در کشور گردید. اما با اینگونه بررسی شاید زنان افغان، کارمندان سابق دولت، و اکثریت نفوس فقیر تحت حاکمیت طالبان غالباً موافق نباشند. با وجود کاهش حوادث بمب گذاری انتحاری و جنگ های چریکی، طالبان، به ویژه تحت رهبری آقای هیبت الله آخندزاده که هر چند گاهی محدودیتی تازه بر آزادی شهروندان وضع میکند، همچنان به ایجاد ترس و دلهره در قلبهای عوام و جلوگیری از زندگی در آرامش و صلح روحی ادامه می دهد. بنابراین، میتوان ادعا کرد که صلحی را که این سند به ارمغان آورده است به قیمت آزادی، حقوق انسانی، ارزشهای فرهنگی و در مجموع حق شاد بودن شهروندان افغانستان تمام شده است، و این نه آنگونه صلحی ست که آرزو میشد

دستخط این پیمان و خروج عجلانته نیروهای امنیتی بین المللی ضربه سختی به روحیه نیروهای امنیتی افغان وارد و برعکس، مورال جنگجویان طالبان را تقویت کرد. علاوه بر این، فقدان مقرراتی برای روند آشتی به معنای واقعی آن میان دولت افغانستان و طالبان، وضعیت را تشدید کرد. این فرصتی بود برای شورشیان تا پیشروی کنند و کنترل اوضاع را تا رسیدن به ارگ به دست گیرند. از زمان سقوط کابل، علی رغم تضمین های طالبان از طریق ذبیح الله مجاهد سخنگوی این گروه مبنی بر رعایت حقوق زنان، آقای هیبت الله آخندزاده، رهبر طالبان، بیشتر حقوق اولیه بشری آنها را سلب کرده است. زنان افغان از آزادی های شرعی و انسانی چون تحصیل، اشتغال، حضور در انظار بدون همراهی مرد محروم استند که اینگونه محرومیتها موجب صدمه به سلامتی جسمی و روانی آنها میشود. علاوه بر این، بیشتر افغان ها با فقر اقتصادی شدید دست و گریبانند و گزارش های اخیر سازمان ملل متحد حاکی از افزایش سوء تغذیه و شرایط وخیم زندگی در افغانستان است. اینها همه پیامدهایی اند که به احتمال قوی ریشه در معامله با طالبان دارند .

با تأمل بر وقایع بعد از 29 جنوری 2021، مشخص می شود که چه کسانی از معاهده دوحه صدمه دیده و کی ها

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

بهره برده اند. طالبان به تعهدات خود در این توافقنامه، به ویژه در زمینه جلوگیری از فعالیت های تروریستی گروه های دهشتگر مقیم در کشور عمل نکرده است. با وجود خروج نیروهای ایالات متحده از افغانستان، طالبان همچنان میزبان و حامی سازمانهایی مانند القاعده است که تهدیدی جدی برای ثبات منطوقی و امنیت بین المللی محسوب میشوند. علاوه بر این، در حالی که توافقنامه "آوردن صلح" با در هم پاشی نظام دموکراسی به درگیری ها پایان داد، صلح پایدار مورد نظر افغان ها را به ارمغان نیاورد، و برخلاف وعده های این گروه، نقض حقوق بشری و احیا و جاگزینیء مجدد برخی از سازمان های تروریستی جهانی را در افغانستان در پی داشت. از اینرو، گفت و شنید جدی و تلاش های آشتی با دولت افغانستان باید پیش نیاز و پیش شرط امضای معاهده و خروج نیروها می بود، تا بالقوه مسیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و صلح در افغانستان را همگام با چشم انداز امنیت بین المللی تغییر می داد